

# محبوبم با بهار آمد



ونوس

هارمونی صدای پای محبوبم که با سمفونی بهار از آن سوی آبها و دریاها از آنسوی بحر ها و برها به سویم چون باد می شتابد؛ گوشه‌هایم را نوازش میکند .

محبوبم تنور انتظار دلم داغ و سوزان است بیا و مرا از دیدار دیرینه ات شادمان کن و از شنیدن آواز شیرینت شکفته و حیران؛ صدایت ملودی عشق است که از شنیدنش شکفته می‌شوم. نازنینم بیا تا رمه ی بوسه‌هایم را در شقایق زاران لبانت و در انگورستان تنت به گردش ببرم؛ دقیقه ها تند تر گام بر دارید که من تشنه دیدارم...!

محبوبم با بهار از راه میرسد با کوله بار عشق بر دوش در برابرش چون بهاران سبز می شوم، چون ارغوان گل میکنم، چون آهو صحرا شادمان جست و خیز میزنم. چون عشق پیچان به هم می پیچیم و روی سبزار زار می لولیم. نسیم عطر اندامش بر باغ تنم وزیدن گرفت و رایحه تنم بر فضا پیچیدن. بهشت خواستن، ما را در آغوش کشید؛ گریستیم و خندیدیم، دیدیم و بوسیدیم. در زیر سایه چشمان هم لنگر انداختیم. یاقوت و انار تاکستانم را با او قسمت کردم؛ از شیر تن مان نوشیدیم و مست و غلتان گشتیم. سیبی از درخت عشق چشیدیم؛ دیدیم آبستن درختان را و رویش سبزه زار و چمن را، چیدیم گلهای لاله، عکاسی و یاسمن را و زمزمه کردیم "یاسمن بوی مرا دیوانه کرد..."

او قافیه های شیرین غزلم شد و واژه وار بر زبانم جاری و بر تنم ساری، دوست دارم واژه شدنش را؛ او در من وحشی شد و من بر او اهلی؛ دوست دارم وحشی شدن اش را ... و او با بهار آمد؛ دوست دارم بهار را

و در او بهار شدن را ...!

